

**تئوره‌های هدفمند، ابزار سیاست ملی آمریکا**

، ترور هدفمند سردار سلیمانی در سوم ژانویه 2020 نمونه ای بارز و برجسته از یکجانبه گرایی آمریکاست



آران نیوز : واژه ترور از ریشه لاتینی Terrere به معنای ترس و ترساندن است. این واژه برای نخستین بار سال ۱۷۹۶ در «فرهنگستان علوم فرانسه» ظاهر شد و تروریسم را چنین معنا کرد: «نظام یا رژیم وحشت». واژه نامه فرانسوی «Robert» دو تعریف برای تروریسم ارائه می دهد:

۱- اعمال مستمر خشونت در راستای یک هدف سیاسی.

۲- رفتار و کردار حاکی از عدم تحمل و مدارا و ایجاد ارباب.

فرهنگ اصطلاحات سیاسی دالوز (Dalloz) تروریسم را اقدام سیاسی خشونت آمیز افراد یا اقلیت های سازمان یافته علیه اشخاص، دارایی ها و نهادهایی می داند که برای نیل به اهدافی نظیر، کسب استقلال از یک دولت، سرنگونی رژیم حاکم و مبارزه علیه برخی جنبه های سیاسی یک دولت، صورت می گیرد. فرهنگ اصطلاحات نظامی ستاد مشترک ارتش و وزارت دفاع آمریکا نیز تروریسم را اینگونه تعریف می کند: «کاربرد منظم خشونت غیرقانونی، به منظور ایجاد ترس، یا سرکوب، یا ارباب حکومت ها و یا جوامع، در تعقیب اهدافی که عموماً سیاسی، مذهبی و یا ایدیولوژیکی هستند.»

اگرچه رویکردهای متفاوت و حتی برخوردهای دوگانه با مساله تروریسم در جهان امروز، تابعی از شرایط سیاسی داخلی و بین المللی گشته است ولی آثار مخرب و منفی آن بر هیچ کس پوشیده نیست، تعدادی از کشورهای جهان از جمله آمریکا بسته به مصالح، منافع و شرایطی، حامی، مخالف و یا قربانی تروریسم بوده اند. نهادهای اطلاعاتی و امنیتی آمریکا پس از جنگ دوم جهانی و در بحبوحه جنگ سرد، به ترور شخصیت های مهم سیاسی و نظامی کشورهای مخالف رو آوردند تا شاید بتوانند با ترور رهبران جریان های سیاسی مخالف، کفه ترازوی موازنه قوا را به نفع خود سنگین کنند؛ اقدامی که همچنان در دستور کار دولت آمریکا قرار دارد.

شدت گرفتن ترورهای سازمان سیا در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ باعث شد تا کنگره برای مهار این سازمان اقدام کند. روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی به افشاگری بی سابقه علیه اقدامات غیرقانونی سازمان سیا شامل بمب گذاری، کودتا، شکنجه و ترور رهبران سیاسی در جهان پرداخت. انتشار این گزارش مخالفت با اقدامات «سیا» را افزایش داد و باعث شد تا در سال ۱۹۷۵ کمیته ویژه ای موسوم به «کمیته کلیسا» در مجلس سنا به بررسی فعالیت های نهادهای اطلاعاتی و امنیتی آمریکا بپردازد. تحقیقات در مورد ترور رهبران خارجی باعث شد تا در نهایت "جرالد فورد" (رییس جمهور وقت آمریکا) استفاده از ترور را به عنوان ابزاری در خدمت سیاست خارجی این کشور ممنوع اعلام کند. وی دستورالعمل اجرایی صادر کرد که می گوید هیچ کارمند دولت آمریکا نباید «درگیر و یا شریک یک ترور سیاسی» باشد. "ریگان" حتی این ممنوعیت را گسترش داد و انواع ترور، غیرقانونی شدند. این ممنوعیت اما آنچنان دوام نیاورد و از آن سال به بعد، آمریکا بارها از ابزار ترور برای حذف رهبران سیاسی و چهره های اثرگذار در کشورهای مخالف خود استفاده کرد.

آخرین نمونه آن، ترور هدفمند سردار سلیمانی در سوم ژانویه 2020 نمونه ای بارز و برجسته از یکجانبه گرایی آمریکاست. این اقدام که به دستور مستقیم رئیس جمهور آمریکا و با برنامه ریزی قبلی تحت لوای مبارزه با تروریسم صورت گرفته است، از مناظر مختلف قابل بررسی است. ایالات متحده که سالهاست تلاش میکند قرائت خود از تروریسم را به جامعه جهانی تحمیل کند و این کشور را سردمدار مبارزه با تروریسم جلوه دهد، قواعد حقوق بین الملل را یکجانبه و به نحوی که منافع آمریکا بر منافع جامعه جهانی رجحان داشته باشد، تفسیر و اجرا نموده است.

قاعده عدم توسل به زور مورد قبول و تأکید نظام حقوقی بین المللی است. در حقوق بین الملل معاصر مبنای این اصل، حفظ صلح و امنیت بین المللی است. این مفهوم به طور مطلق به جنگ، تهاجم، تجاوز، فعالیت مسلحانه، بکار برده شده و هر نوع استفاده از زور که منتهی به نقض حاکمیت و تمامیت ارضی و استقلال سیاسی یک دولت میشود را ممنوع اعلام کرده است.

اعمال مستقیم قدرت به جای اجرای حقوق پیامدی جز سرکشی و قدرت نمایی ندارد و اگر جانشین قانون شود، جامعه بین المللی را به قهقرا برده و ثمره تلاش سالهای طولانی را به نابودی خواهد

کشاند. اینکه ایالات متحده خود را مسئول نظم جهان بداند و از نقض حقوق بشر در يك کشور گرفته تا وجود پایگاههاي تروريستي و يا دموکراتيك نبودن آنها، همه را دغدغه ي خود بداند و از سوي ديگر در مقام نظم دهنده جهان دست به قتل و ترور شخصيتهاي برجسته سياسي و نظامي ديگر دولتها بزند، موجب ميشود حقوق بين الملل به کنار رانده شود و قدرت بر مناسبات بين المللي حاکم گردد.

مهمترين راهبرد در جهت پيكار با اين چالش فراروي حقوق بين الملل مدرن را ميتوان تقويت منطقه گرايي در عين تاکيد بر جهانشمولي حقوق بين الملل، پاسداشت فرايند جهاني شدن و چند جانبه گرايي معرفي نمود.

رويداد تلخ شهادت فرمانده برجسته نظامی جمهوری اسلامی ایران سردار شهید قاسم سلیمانی به دستور مستقیم "دونالد ترامپ" (رئیس جمهور وقت آمریکا) در خاک عراق نمایی آشکار از روندی است که ایالات متحده آمریکا بی محابا در قبال حقوق بين الملل و جامعه جهاني در پيش گرفته است. شهادت ژنرال سلیمانی تجلی بارز تروريسم دولتی است، اقدامی که نه صرفاً تحت حمايت، بلکه با مباشرت یک دولت صورت پذیرفت. جمهوری اسلامی ایران و ساير دولتها بايد به اين نکته مهم توجه نمایند که عدم واکنش مؤثر در قبال ترور ژنرال "سلیمانی" که خود سالها در خط مقدم مبارزه با تروريسم در عراق و سوریه ايستاده بود، می تواند در آینده تبعات خطرناکی برای نظاميان هرکشوری در پی داشته باشد.